

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

و

تضمین حقوق

اقلیت های دینی غیر رسمی

نویسنده: علیمحمد سرلک

دکترای فقه اسلامی / خارج فقه حوزه علمیه قم

هر چند تنوع و تکثر در مؤلفه هایی چون دین، قومیت، رنگ و زبان، غالباً و از دیرباز در جوامع بشری معمول بوده، اما؛ در طول تاریخ، رفتار حاکمیت ها با این گوناگونی همواره در منحنی میان پذیرش یا انکار و حتی سرکوب در نوسان بوده است. در این میان، دین اسلام با محوریت دادن به اندیشه برابری انسانها، در عین احترام و پذیرش تفاوت هایی از سنخ رنگ، نژاد و زبان، قویا هرگونه تبعیض های قومی و نژادی را نفی و بشدت تقبیح نموده است، برای نمونه در کلامی از رهبری معظم انقلاب آمده است: «امروز هم بشر به این احتیاج دارد که به توحید خالص و دستور عدل اسلامی و نسخه ای که اسلام برای عدالت به بشریت داده است برگردد، که فرمود: " ان اکرمکم عندالله اتقیکم"¹ یعنی دعوت به تقوی و پرهیزکاری؛ دعوت به دور ریختن انگیزه های تفرقه ی بین انسانها؛ مثل قومیت و نژاد و خون و رنگ و از این چیزها».²

اما؛ در مقوله تفاوت و تنوع دینی؛ از منظر اسلام و قرائت شیعی آن، که ملاک تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده، پیروان ادیان در یک جامعه اسلامی، به دو گروه عمده تقسیم می شوند³:

1- مسلمانان؛ این گروه از هر مذهب و گرایش، اعم از شیعه و سنی، امت واحده محسوب می شوند و در کنار هم یک اکثریت را تشکیل می دهند.

2- غیر مسلمانان؛ این گروه خود به سه شاخه تقسیم می شوند:

(1) **کتابی:** غیر مسلمانانی که در رفتار با مسلمانان متخاصم نبوده و پیرو یکی از سه دین شناخته شده یهودیت، مسیحیت و زرتشتیت هستند. رفتار و حقوق متقابل بین مسلمانان و این گروه پیرو قواعد مشخص و معینی است که در فقه بتفصیل آمده و از ایشان به اهل ذمه نیز تعبیر می شود. بنابر نظر مشهور؛ این گروه از آن جهت که تنها ادیان شناسنامه دار در اسلام اند، کتابی و یا اهل کتاب معرفی شده اند و بعبارت دیگر؛ از منظر اسلام تنها این سه دین منشأ الهی دارند و این منشأ نیز باعث وجود تفاوت های در احکام فقهی میان این گروه با سایر گروه های غیر مسلمان مثل بودائیان و هندو ها می شود.

¹ - سوره الحجرات: 13

² - بیانات در دیدار کارگزاران نظام، 1371 / 06 / 24 .

³ - البته باید توجه داشت: این تقسیم بندی فی الجمله و به اعتبار غیرمسلمانانی است که در جوامع اسلامی ساکنند و نه مطلق غیر مسلمانان، و تقسیم بندی دقیق و مفصل آن در فقه آمده و خارج از غرض و رسالت این نوشته است.

2) **معاهد:** غیر مسلمانانی که با مسلمانان متخاصم نبوده و پیرو یکی از ادیان سه گانه فوق نیز نباشند. رفتار و حقوق متقابل میان این گروه و مسلمانان بنابر قواعد و ضوابطی است که ولی فقیه و مقام ولایت امر معین می سازد.⁴

3) **حربی:** غیر مسلمانانی، اعم از اهل کتاب و غیر ایشان، که با مسلمانان در حال مخاصمه بوده و جان، مال و عرض مسلمانان را محترم نمی شمارند. از منظر اسلام و از باب مقابله بمثل؛ جان، مال و عرض این گروه نیز در نزد مسلمانان محترم نخواهد بود.

حال؛ با پذیرش واقعیات فوق الذکر و بر مبنای قرائت شیعی، که آیین اکثریت ساکنان جمهوری اسلامی ایران است، قانونگذار اصول 12، 13 و 14 قانون اساسی را اینگونه تدوین نموده است:

اصل 12: این اصل، در حقیقت حاکی از حقوق دینی مسلمانان است و بدین شرح می باشد: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

اصل 13: این اصل در صدد تبیین حقوق دینی غیر مسلمانانی است که بعنوان اهل کتاب از آنها سخن گفتیم و تفصیل آن عبارت است از: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل میکنند».

اصل 14: حقوق اقلیت هایی که با عنوان معاهد از آنها سخن گفتیم در این اصل می گنجد که تفصیلش اینگونه است: « به حکم آیه شریفه "لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من دیارکم ان تبروههم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین"⁵ دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».

در نتیجه؛ با دقت در اصول سه گانه فوق، پیشینه فقهی قانونگذاران و مشروح مذاکرات قانون اساسی⁶؛ باید گفت:

⁴ - البته به مطلق غیرمسلمانان، اعم از کتابی و غیر ایشان، که در کشورهایی با اکثریت غیرمسلمان نیز زندگی می کنند و دولت های آنها با دولت اسلامی در ستیز نیستند، معاهد گفته می شود و در مقابل ایشان به آنان که در ستیزند عنوان حربی اطلاق می شود.

⁵ - سوره ممتحنه: 8؛ خدا شما را از دوستی آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند تا بیزاری از آنها جویند؛ بلکه با آنها به عدالت و انصاف رفتار کنید که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می دارد.

⁶ - مشروح مذاکرات قانون اساسی. ج 1/ ص 453 - 500.

در جمهوری اسلامی ایران، از سویی بدان جهت که حاکمیت دینی است، بخلاف نظام های عرفی و سکولار، باید قوانین و سیستم اداره کشور برآمده از دین باشد و از سوی دیگر، دین، در نزد دینداران، امری است متکثر و با قرائت های متفاوت، از همین رو، قانون گذار، ناگزیر از گزینش و رسمیت دادن به یک دین و قرائت خاص بوده، تا آن را در تدوین قوانین و اداره امور جاری یک کشور، ملاک عمل قرار دهد و طبیعی است، این رسمیت، در یک جامعه متکثر، باید از آن قرائت مورد پذیرش اکثریت باشد که در ایران مذهب جعفری از دین اسلام بوده است.

بنابراین؛ در قانون اساسی جمهوری اسلامی عنوان و اعتبار «رسمی» تنها بعنوان ملاک ایجاد کننده وحدت رویه، در مدیریت کشور به دین و مذهب اکثریت اعطاء شده، بدون اینکه در حقوق انسانی، که در فصل سوم قانون اساسی (اصول 19-42) بعنوان حقوق ملت برای همه اتباع ایران یکسان تلقی شده، حق و مزیت ویژه ای را برای پیروان مذهب رسمی در نظر گرفته باشد و لذا؛ عنوان «رسمی» در قانون اساسی ایران به هیچ وجه در صدد نفی حقوق و آزادی های دینی در غیر پیروان مذهب رسمی نیست، همانگونه که این مهم در اصل 12؛ در مورد پیروان سایر مذاهب اسلامی و در اصل 13؛ در مورد یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان بتصریح آمده است و صد البته؛ عبارت "تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند" در این اصل، ناظر به همان "شناسنامه داری آنها" در فقه بوده و در صدد نفی اصطلاح دین، بمعنی فقهی آن، از غیر این سه گروه است، اما؛ این تعبیر به هیچ وجه، بمعنی نفی اصطلاح دین، بمعنی عرفی و حتی بین المللی آن و نادیده انگاشتن حقوق و آزادی های فردی و اعتقادی کسی نیست، و از همین روست که در اصل 14، قانون گذار با آگاهی به همین تفاوت اعتباری در فقه شیعه و عرف بین الملل، با عنوان عام "غیر مسلمانان" در صدد تامین و حمایت از آزادی های فردی و اعتقادی سایر جوامعی بوده که هرچند از منظر فقه شیعه، با عنوان دین شناخته نمی شوند اما در عرف بین الملل بعنوان یک اقلیت دینی از حقوق انسانی برابر برخوردارند و لذا؛ با ملاک و سنجش عرفی و سکولاریسم حاکم بر جوامع بین المللی، حقوق و آزادی های فردی و دینی همه اقلیت های و جوامع دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخوبی رعایت و محترم شمرده شده است. گذشته از این، درباره حقوق دینی این جوامع باید به نکات ذیل نیز توجه نمود:

اولا؛ مشروح مذاکرات قانون اساسی تصریح دارند⁷ بر اینکه، اصول 12 و 13 قانون اساسی در صدد احصاء تمامی گروه های و اقلیت های منسوب به ادیان متعدد در ایران نبوده و تنها به ذکر اقلیت هایی که پیروان بیشتری داشته و یا بلحاظ فقهی، شناسه دار بوده اند بسنده شده و لذا؛ این دو اصل نیز، به هیچ وجه، در صدد انحصار اقلیت هایی که در عرف بین المللی اقلیت دینی محسوب می شوند، به موارد مصرح در قانون نبوده و بمعنی نفی حقوق و آزادی های دینی سایر گروه ها نمی باشند.

ثانیا؛ بازهم بتصریح همان منبع؛ قانون گذاران پس از تدوین اصول 12 و 13، در صدد بوده اند، با وضع اصول عامی در قانون اساسی، احترام به حقوق اقلیت هایی که نامی از آنها در قانون برده نشده را تضمین نمایند و این مهم، بعدها با تدوین اصولی چون 14، 23 و 26 در قانون اساسی بخوبی محقق گشته است.

⁷ - همان

ثالثاً؛ بتصریح اصول 14 و 26 قانون اساسی، حقوق این اقلیت ها در ایران تابعی از عدم تخاصم و حفظ احترام متقابل است و تا زمانی که این مهم رعایت گردد، همه این اقلیت ها در جامعه ایران از حقوق انسانی، بر اساس موازین عدل و احسان برخوردار خواهند بود و این مقام ولایت امر است که بعنوان ولی فقیه موازین عدل و احسان را بر اساس فقه شیعه معین می سازد. همانگونه که در صحیفه امام راحل (رض) در پاسخ استفتای یکی از اعضای شورای عالی قضایی و در راستای همین وظیفه آمده است⁸:

« بسمه تعالی.

محضر مبارک آیت الله العظمی الامام خمینی - دام ظلله العالی علی رؤوس المسلمین بعدالتحیة و السلام، تقاضا می شود سؤال ذیل را جواب مرقوم فرمایید:

آیا غیر مسلمانان که در مملکت ایران زندگی می نمایند از اهل کتاب یا غیر آنها اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند مانند سرقت و زنا یا جاسوسی یا افساد یا محاربه یا قیام علیه حکومت و همانند اینها آیا مانند مسلمانان باید مجازات شوند یا آنکه مجازات آنها در مانند جاسوسی به بعد [افساد، محاربه، قیام علیه حکومت] احتیاج به اشتراط ترک دارد و یا آنکه چون با مثل جاسوسی حربی شوند به مانند کفاری که شرایط ذمه عمل نکنند با آنان معامله گردد، یعنی برگرداندن به مأمّن و یا تخییر حاکم بین قتل یا فدیة یا استرقاق که حضرتعالی در مسئله هشت تحریرالوسیله، ج 2، ص 503 در تخییر اشکال فرمودید.

62/11/3 - از طرف شورای عالی قضایی - ابوالفضل میرمحمدی

[پاسخ]

بسمه تعالی

کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر درباره آنها جاری است و محقون الدّم بوده [مصونیت جانی داشتن] و مالشان محترم است. روح الله الموسوی»

در پایان و در یک نتیجه گیری کلی باید گفت:

" در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق انسانی و آزادی های دینی، بمعنی آنچه در عرف بین المللی پذیرفته شده، از هیچ فردی، صرفا بدلیل انتسابش به یک اقلیت دینی سلب نگشته است، حتی اگر نامی از دین و گرایش مذهبی وی در قانون اساسی مزبور نیامده باشد. "

ایمیل تماس با دکتر علیمحمد سرلک :

Sarlak59@gmail.com

[مراجعه به سایت نویسنده](#)

⁸ - صحیفه امام خمینی، ج 18، ص 304.

ابراهیم عماد :

ضمن تشکر از جناب آقای دکتر علیمحمد سرلک بابت ارسال یادداشت فوق در زمینه حقوق اقلیت های دینی غیر رسمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امید است مطلب فوق مورد استفاده محققان و دانشجویان گرامی قرار گیرد.

[برگشت به صفحه دیگر صاحب نظران حقوقی داخلی در سایت حقوق اساسی](#)

مطلب مرتبط :

(سازمان ملل متحد) اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیتهای ملی یا اقوام، دینی و زبانی

[Déclaration des droits des personnes appartenant à des minorités nationales ou ethniques, religieuses et linguistiques](#)

Adoptée par l'Assemblée générale dans sa résolution 47/135 du 18 décembre 1992

[Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities](#)

Adopted by General Assembly resolution 47/135 of 18 December 1992